

## ارتش و مردم

بستگی با خلق بی پروازند. و پیروزه با انضباط سرانجامی مبار می آورند برای سرکوبی قیام وطنیان خلق آمان میسازند. نتیجتاً آن همین کشتار روزی مردم است. آیا ما این واقعیت را در برابر خود ندانیم که همین سرانجامی که خود آنصورت خلق بیرون می آیند بروی خلق آتش می کشند؟ آیا لازم است هزاران مثال و تمثیلات گشتن جهان و ایران آورد برای اتکالی مردم بی راهی را اثبات کرد؟ البته گاه گاه اینجا و آنجا در مواقع جزئی ممکن است بخشی و آنهم بخش کوچکی از ارتش به خلق رزمند به نفع پیوندند. مگر آنست این بیان سرانجامی و این با آن افسر جزا از دستور فرمانده و اثر میگذرد. ارتش بی پرواز علی رغم خطر جان کنایه و تهدید میسرگردد امتناع میزند. ولی اینها حالات استثنائی است و استثناً قانون تعارض ارتش طبقانی مدافع منافع و امتیازات طبقات حاکم و خائس و نگهبان آنهاست. افزونی است در دست طبقات حاکم برای سرکوبی نیروی خلق زحمتکش طبقه حاکم.

شماره ارتش متکی است. در روزهای شادمانه هر زنی که طبقات متخاصم روی دوری یکدیگر استاد باند ارتش مدافع طبقه حاکم است. ارتش برای آنست که وقتی توده تاب تحمل از باره ظلم و اجحاف را از دست داد و به قیام و شورش برخاست قیام را سرکوب کند، توده را بجای خود بنشاند و اطاعت از صاحبان توده و زور کند توده را بجای خود بنشاند و اطاعت از صاحبان زور و زور ارتش این نقش ارتش تاریخی ندارد. قریباً است وضع بر این روال است. نظریه پتانج گذشته و لوفت به دوران پیدایش و تکامل بورژوازی نقش ارتش را در سرکوبی بیرونی و توده های زحمتکش برهمنی معلوم میسازد. بنظر میسرمد این حقیقت آنچنان با زور مسلط است که تذکر آن در حکم تکرار بدیهیات است.

البته طبقه حاکم نقش ارتش را بگونه دیگری جلوه میدهد و بر آنست که ارتش حافظ نظم و نظمگسایان و امنیت مردم است که بوسیله "منافری آشوبگر و اخلالگر" در خطر می افتد. چنانکه شاه با همین منطق ارتش را به سراغ توده ها میفرستد. با همین منطق آنها را بگلزله می بندد. ولی واقعیت اینست که نقش ارتش دفاع از امتیازات و سرمایه و شرط طبقه حاکم است.

معدنک در جریان تظاهرات اخیر کسانیکه پیدا شدند کلبان حقیقت باز را زنی یاد افتند. ماهیت ارتش را در انتظار مردم نگردانند جلوه دادند حتی این شایعه را باز کردند که کلبا روز ۱۳ شهریور سران ایران بیرون نماندند که بروی مردم تخلیه کردند. بلکه سران ایران اسرائیلی بودند که کلبا کفایت امتناع ارتش ایران از بران زکمی بغیر از ان اعراف شده بودند. بر این ترتیب این حقیقت بود که بسیاری از جوانان ایرانی با سینه های عریان بسوی سران ارتش پیش رفتند با اطمینان به اینکه سران ارتش بیرونی آنها آتش نخواهند گشود. اما از آن آنها را مانند برگان و خفاش بر زمین ریخت و یکبار دیگر ماهیت و نقش آنها را مانند برگان ریخت بر زمین زحمتکش یکبار دیگر ما هیئت زحمتکش را از کف دست سران ارتش با گاری است. در هفتای است. زحمتکش است که از تقویم نظامی برتن دارد. رئیس نظامی سران ارتش است. او را بر روی یک زحمتکش را بر او خود خواهید دید. اما در این قضایات نکاتی که فراموش نشود اینست که افراد ارتش را در سران ارتش خانه ها با انواع شهیدات و شست و شوهای مخفی باند نیست.

## امپریالیسم آمریکا و دولت نظامی

"برقراری نظم و قانون مستلماً ساسی است" چنین است اظهار نظر سخنگوی کارتر در ریشیانی از دولت نظامی در ایران. امروز به در ایران و بند خارج کسی نیست که معنی "نظم و قانون" را در قاموس امپریالیسم آمریکا نداند. نظم و قانون یعنی سکوت قبرستان یعنی "شیات" و "آرامش" تا غارتگران امپریالیست بر کشورها فرمان برانند و با فراغ بال به تاراج ثروت های کشور و سترخ مردم مهاجرت "نظم و قانون" یعنی با تمام شکمجهای قرین و سطلانی که روی اس اس های هلندی و راد ریخوالده در تاجاوه افشوز... سفید کرد ماست. "نظم و قانون" یعنی انباشتن زنده انباشته پرستانه یعنی آزاد کردن مثنی در دنیا و لگرو قبل از همه اعضا خانواده شاه در زوری و بیجا اول اموال ملت. یعنی مسلط کردن پلیس و ارتش بر جان و مال و ناموس مردم. یعنی محرومیت خلق از همه پلیس و ارتش بر جان و مال و ناموس مردم. یعنی محرومیت خلق از همه چیز. این نظم و قانون خود زاینده بی نظمی و بی قانونی برحق است. برانگیزنده قیام عادلانه و وسیله آسای توده های مردم است برای آنکه بنیان این نظم و قانون و بنیان با تیان آنرا از میان برداند. بر ساختار کوشی خلق شمره بند نظم و قانون امپریالیستی است که همه سال است در سرزمین آتشانه میوزور شده است. مرگ امپریالیسم محظوظ است. آست کفایت تمام دست از توده ها بماند. هزاران شهید داده و میدهد. حالا با همین نظم و قانون میخواهند رشتا مردم را فروشانند. آیا امپریالیسم آمریکا این مطلب را در فراموشی نیست؟ البته کفایتی بجهت منتهای منافع و مصالح او ایجاب میکند که در مباحثی بدین آن برای حل این معضله گمانه زانی است که امپریالیسم امپریالیسم آمریکا است اما مانند از خون قربانان ما را میگذرد و ملکت ما را بدست آنجانب میگرداند. آست بجهت منافع ملت ملی سیرت شود. امپریالیسم آمریکا بخود مگر را برایش میخواند اطمینان داشته باشد که کفایتی ایران برای تلبه این هدف است. از میان برداشته اند کشتی و کشتی رستنا خیز کوشی نیز به نتیجه مطلوب نیاچد آنها مبارز و در ارتش تازه ای را به خواهند داد.

رزمین بیست هاگویی این حقیقت بدیهی را هم در نظر میسازد. بیخواهند بفهمند. به عبارات زیر توجه کنید و ببینید آنها چه ماور عمل میسازند. از بیرون خلق و ارتش تصویر کرده اند: "در روزهای شورانگیز تظاهرات و راه پیمایی ملیون مردم ایران یکبار دیگر بیرون خلق های ما ارتش پیروز مردم با انصراف و بیرونی است که از میان آنها برخاسته اند. بر تیان درگیر و بلخند. بوسه تجلی کرد. مردم در سیر خود کامیونهای ارتش و افسران ارتش و تنه های و راه پیمایی و سرانجام مسلسل بدست را کلبا بران کردند. آنها را بر سر دست گرفتند. بگونه های ناموس مردم و ما صد ها هزار رگوشی بخش کرد بغیر از کلبا بدیدند. برادر ارتش جراب برادر رگوشی؟ در این پیام بگمانند و هنده ملی نیرو و شکوه و حقیقت بود که بسیاری از نظامیان شریف را که در سینه های خوین استید از سلطنتی آنها را از بر زمین به شیشه آلود و شیشه حق و عدالت است به کرمه واد است. درهما افسر و سران ارتش و بیرون پرست اسلحه شان را راه کردید و همچنان ظاهر کردند که آمدند و صحنه میدان ۳۴ اسفند که انصراف بیرون پرست و کلبا و خائسهای خود را که در تیار مردم کرد. انصراف بیرون پرست و کلبا و خائسهای خود را که در تیار جدیدی آفریدند. در ارتش به مالمعق شوا"

## پیروز باد مبارزات خلق فلسطین!

گفرتاس کلبا بدیدند تاریخ ۷ تا ۱۷ سپتامبر شرکت بکن، سادات و کارکنان ارتش در دادنامه و تکامل سیاست امپریالیسم آمریکا در زمینه مسئله صلح خاور میانه و تقابله خلقی از جنبه های سیاست محسوب میگردد. این گفرتاس منحصراً منطبق بر سیاست امپریالیسم آمریکا و قرار داد سناتور ۱۹۷۰ و سرخانیات با سازمانات با اسرائیل میباشد. امپریالیسم آمریکا که امروزه از موضع متفوق نسبت به قریب خود سوسیال امپریالیسم شوروی در زمینه خاور میانه عمل مینماید. میگردد تا با سیاست "قرارداد صلح" و "بهره بردن از سادات" بتایم هرومی در سیر سیاست خود اساس صلح خاور میانه را نهاده و دیگر کشورهای عربی را به موضع چنین واقعاتی بکشاند. این امر را سادات در گفرتاس مطبوعاتی خود در یوانگنکن چنین اظهار داشت که "ما اساس کار را تعیین کردیم. حال کشورهای بی نفع میخوانند بر روی جزئیات آن کار کنند."

این گفرتاس علی رقم فرآیند شیب ها و تبلیغات مطبوعاتی امپریالیستی پیروزه امپریالیسم آمریکا میوزان آن در واقع معطوف خیانت و نه سازش کشیدن خلقهای عرب و پامال کردن حقوق خلقی که مدت ۳۰ سال است در زیر چکمه های شهید و نیمه های اسرائیلی سترخ خوین سر داده و رنگم آزادی ششست و تلاش بی بجهانه برای آنکه به خلقهای عرب بنمایاند که بجای تکیه بر نیروی خود و توسل به قهر انقلابی و مبارزات برای بازیافتن سرزمین از دست رفته و تحقق صلح بر امپریالیسم آمریکا چشم دوخته و آنرا در ریس سیزده اگراک بنیادند. در زمینه افکار عمومی آمریکا این گفرتاس هدف مشخص وضعی کسب وجهه و اعتبار از دست رفته برای کارتر بود و منظور است. این تبلیغات عوام قریبانه ناپید انجایش رفت که محافل امپریالیسم آمریکا بکوشند جایزه صلح و پرازی کارتر نموده گفرتاس کلبا بدیدند و گفرتاس کارتر در کتب خود و در توافقیه مباحثه رسید. یک تحت عنوان "جها رچوب صلح" که بر اساس آن کلبا اسرائیلی میبایست در خلال پنج سال نیروهای خود را از مناطق اشغالی در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه تخلیه کرده و انوار غزه و نواحی این مناطق با ساکنینی بالغ بر ۷۱۰ هزار نفر مستکی بقرارداد احتمالی صلح میان اسرائیل و اردن دراز.

توافقیه دیگری تحت عنوان "جها رچوب قرارداد صلح نهائی" میان مصر و اسرائیل میباشد. این قرارداد از آنست که در خلال مصافحه میبایست بمسئله صلح میان مصر و اسرائیل تحقیق یافته و اسرائیل در فاضلهای بین ۲۰ تا ۲۵ ماهه پس از انعقاد قرارداد اضطراری ستیبا تخلیه شود نمود و پس از آن تمام پروسه فوق آنست که مناسبات دیپلماتیک کامل بین دو کشور برقرار میگردد. آنچه که در ره و توافقیه مشترک میباشد قانونی کردن اشغال سرزمینهای عربی توسط صهیونیستهای اسرائیلی برای مدت زمانی دیگر، انکار حق خلق فلسطین در تعیین سرزمین خود در زمینه باز پس گرفتن سرزمین از دست رفته و تامین حقوق "اسرائیل در از آمدن" سیاست حکم و تجاوز خود تحت لژی "مقاومت" این کشور. این توافقنامه همچنین عرضه های نویسی را برای نفوذ گسترده تر از امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه و تحکیم پایگاههای وی میسازد.

بر اساس توافقنامه نخست صهیونیستهای اسرائیلی "حق" از آنست که اشغال نظامی نوار غزه و ساحل غربی رود اردن را از دست بردارند. قرار آن گرده از خروج نیروهای نظامی اسرائیلی و مستقر نمودن باقی مانده و نیروهای اسرائیلی در مناطق مشخص امنیتی. سخن میزاند اما بکن قبل از ترک آمریکا در مباحثه با خبرنگار روال استیترت جوینال اظهار داشت "مردم خودی از قرارداد کلبا بدیدند اینست که این نظر نین نماید که اسرائیل حضور نظامی خود را از مناطق اشغالی ساحل غربی رود اردن و نوار غزه بردارد." توافقنامه فوق نفعی به حضور نظامی اسرائیل در خلال پنج سال آینده و صورتی قانونی داده و بلکه از آن فراتر نیروهای ارتش تجاوزگر اسرائیل ارتش ضد خلقی اردن را که حاد است ستیبا میسازد. ۷۰ تا ۷۵ درصدی توافق میباید تا از "منیت" ساحل غربی رود اردن و نوار غزه بطور مشترک باید اری نماید. بر کوشش اظهارات شتاب و انشکن که حضور نظامی نیروهای صلح سازمان ملل در مناطق اشغالی را اعلام نمودند. بکن به

## پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق قهرمان ایران!

شاکمانته خود شریف امامی، این بد رفتار خانهای دیار پهلوی را با شعار "تخت ملی" بعد از فرستادن تصویر میگردد کار تمام است. و محرمهای بوقوع خواهد بود و تمام مردم بنام "تخت ملی" پشت سروردی که تمام زندگیش در ریختن در باران گشته گد خواهد آمد. اما بر خلاف انتظار او قیام مردم در دامنه و سترخ کوفت موجب اعتصابات نیز موجب تظاهرات در آریخت. شاه حکومت نظامی اعلام کرد. جامعه خوین بیامود و معلوم دانست که "تخت ملی" او از چه قاشی است. تظاهرات مردم مانند موج عظیمی حکومت نظامی را از سر راه خود روید. "تخت ملی" را در هم کوبید. برای شاه و امپریالیسم تنها یک راه ماقی ماند کفایتی از این منتهی شدند و آن سیردن دولت بدست نظامیان بود.

برای امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا و شاه مسئله اساسی و فوری بازگشت به "شیات و آرامش" است. تمام اقدامات شاهان و اربابینهایی که در زمینه "مذهب اسلام" به روحانیون داده و میدهد و از صمیمت و باره تشکیل یک دولت ائتلافی که نمایندگان این سوسیال در آن شرکت داشته باشند از سوگند وفاداری بقانون اساسی و بالاخره از تشکیل دولت نظامی از این منبع "میرجاسته و برپه خیزد. هدف دولت نظامی روشن است: کشتن بازمه مستمر و دامنه از زیر وحشیانه تر بمنظور برقراری "آرامش" و "نظم و قانون" چون قدر مسلم اینکه با تشکیل دولت نظامی و سیردن امور بدست نظامیان نه اداره کشور سروسویتی میگردد. نه اقتصاد کشور از چرخه بیرون می آید نه قیام مردم پایا میسرود. شاه الهبانه تصویری کوش سرانجام است و میوزان باد است چند بقیه در صفحه ۲

روینویستیهای حزب توده، همیشه نگهتند که با تظاهرات خیابانی، میتوان به انقلاب دست یافت فکر نه این است که قیام مسلح و جنگجویان با حصول «فلاحی» و «جمهوری» نتوانستند. همین تصویر غلط بود که مردم را باعث استقبال از گولبار گولسه راند که در دخون خود غوطه ور شد نه زنان را به خوابیدن در زیر تانکهای ارتش کشاند که بدین توجه باین «پیوند» آنها را در زیر جوشهای سنگین و آهنین خود خرد کردند. آری مرد پارتن را گلباران کردند سرایان و افسران را برد و سر گرفته بروی آنها تسم زدند اما هنوز لحظاتی از این پیوند نگذشته بود که ارتش از هوا زمین مردم را گولباران کرد و هزاران نفر را به کام مرگ فرستاد و از آن «جمعه سیاه» به بعد هیچ تظاهراتی صورت نگرفت که ارتش از انجام وظیفه و مأموریتش خوش باز ایستد.

البته میتوان در خطاب به سرایان و افسران جز از آنها خواست که ارتش را مردم بپرهیزند، بفرمایند تیراندازی نکنند، با خلق بیوفندند و واسلحه خود را بروی دشمنان خلق نیاورند. اما هرگز نمیتوان در توده های مردم این پیوند از راهی باین افسانه پراکند که گویا ارتش را می توانست نقضی غیر از آنکسورده است بازی کند. برعکس باید همواره این اندیشه را تبلیغ کرد - این اندیشه که گاهین مردم از با تجربه خود لاس میکنند - کیاست خالی به جنگ ارتشی مسلح به تانک، توپ و هلیکوپتر نرفتن نتیجه ای جز بیهوده جان خود را از دست دادن ندارد. باید منتظر با آنها توصیه کرد که اسلحه بدست گیرند بلکه باید در مسلح شدن بآنها یاری رسانید، باید بآنها توصیه کرد که قوانین و قواعد جنگ را بیاموزند.

باید بآنها گفت که جنگ آنها نیاز به مستاد دارد و باید آنها را ایجاد کرد. حزب توده که کیا تمام مسلح سرسراگاری بند آورد بجای آنکه مردم را به مسلح شدن فراخواند، ارتش را به بیوفتن خلق فرا میخواند و با تبلیغ این ایده که ارتش بروی خلق آتش نمیکشاید حتی ایده «مسلح شدن خلق را هم تخطئه میکند. در گذشته حزب توده «قیام مسلح» را در وضع انقلابی به این عنوان که تئوری این است قبول داشت و منتظر آن بود که وضع انقلابی در ایران هنوز بوجود نیاید است. اما اکنون دیگر نمیتوان گفت که در ایران وضع انقلابی حتی در مفهوم کامل آن نیست. معذک روینویستیها که وضع انقلابی را خوب می بینند مسلح شدن قیام را بسببوت میگردانند. آیا هنوز هم قیام مسلح علیه رژیم شاه شیوه مبارزه انبیش تعیین شده است؟ آیا باز هم میتوان تردید داشت که این گروه روینویست اسامی با مسلح شده توده ها و انقلاب مسلح مخالف است؟

امیرالیسم... بقیاض صغحه... اوکل باشی و تعدادی الذیوم و مله قلم در آن نظم و انضباط برقرار کرد. اکنون یک هفتاد و ششکلیت ولت نظامیان میگردد نه تنها هیچ جنگی از میان برداشته شده، نه تنها تظاهرات فروکش نکرده و هر روز خونهای تازه ای ریخته میشود بلکه بجای زندانیانی که آزاد شده اند بنام حکومت نظامی زندانها را از زندانیان سیاسی تازه مانده اند. چیز گشتواند خشمگین مردم را برانگیزد و آتش باز در سوزان ترکند اگر استقامت ولت نظامی یک روی مدالیسیست آمریکا است؟ سیاست سلب آزادی و رکنار و مطلقه که کلافاصله پس از استقرار دولت نظامی آزاد بویاری شد روی دیگر این مدالیست روی نمیشود و بعدهای تعیین این روی سیاست آمریکا که شاعندان همیشه مجری است فعالیت هدف را دنبال میکند. برقراری نظم و آرایش کبی اولمکان خواهند از مواضع منزلت و رفوریزان خود و خند متکرار ایرانی خود، شاه و راستحکم ساز و وضع گذشتار با نامانی از مکراری هجنان ادامه دهد.

گارتز، این «قهرمان» مرفاع از حقوق بشر» نه تنها صراحتاً از دولت نظامی پشتیبانی میکند که ناقص و سالب همه حقوق فردی و اجتماعی است بلکه با این اظهار که اکنون در ایران برقراری نظم و قانون مسئله اساسی است، بخدمتین ترین و واقع ترین وجهی در امور ایران در خالت میکند. چترجسی بنگار و ترحق میدهد که برای خلق ایران تکلیف تعیین کند؟ برقراری نظم و قانون کار مردم آنها است و هیچکس را حق مدخله در آن نیست. تظاهرات و اعتراضات اگر در قلموس امیرالیسم آمریکا بی نظمی و بی قانونی است برای خلق ایران در شرایط گونی عین نظم و قانون است. عامل بی نظمی، بی قانونی در ایران خود امیرالیسم آمریکا و توکرست او محمد رضاشاه است. برای برقراری نظم و قانون کافی است این هر دو بونگه های فراوان آنها بشوید و از سر مردم ایران کم کنند. این خواست قاطبه مردم ایران است که در تظاهراتهای بقید صغحه ۳

ما است - تولان) این عبارت از اینجهت با چنین شور و هیجان بی رویی گفته شده که هر چه بیشتر از آن راحت نشاسی برقرار دهد و نسبت به اهمیت ارتش گمراه کند. بدین ترتیب «بخش بزرگی» از ارتش توده و مردم بیکیاریکدیگر «گشت» میکند، هر دو روی باینده که خواستار عدالت و آزادی اند آنها به وجود خود میباشند و نیمه فایزیک وجود و ریشه و شاخه های یک درخت بی میبندند. در همین لحظه ناقوس مرگ استبداد امیرالیسم نواخته میشود، بدیسی است اگر ارتش مردم و چون و چنان در یک بدن از آب زاری آید، ارتش بی فهمد که خواست مردم آزادی و عدالت است، مردم هم بی فهمد که ارتش در این خواست با آنها همراه است و دیگر مأموریت برای محو استبداد و امیرالیسم نیست. مسئله انقلاب ایران خست است. مسگر

خبر نگاران اظهار داشت «ارتش ما در چون و چنان و شامتی مناطق در ساحل غربی رود اردن) و تواروزه مستقر خواهند بود و تنها ارتش ما و نه هیچ ارتش دیگری در آنجا حضور خواهد داشت. در این قرارداد از هجرتی منظور نیستند انقلاب و سرکوب مبارزات بحق خلقهای منطقه و خلق فلسطین مسئله ایجاب میبستیم بیسی قوی در محل تحت نظارت مشترک اسرائیل، مصر، اردن طرح گردید. تا وظیفه، دفاع از امنیت مرزهای اسرائیل را قبل و بعد از پنج سال ترکشده و در قرارداد بعدی به گیرند. تا ششاد صهیونیستها در ساحل غربی رود اردن و تواروزه که در واقع پایگاه هیبای نظامی دولت تاجا و گرا اسرائیل میباشد باقی ماند و حتی گشتوش نیز میتواند بیاید. بنا بر آنچه در تروق آید، توافقنامه اول در واقع بر اساس اشتغال نظامی تواروزه و ساحل غربی رود اردن توسط صهیونیستها و به کمک سایر کشورهای ارتزاجی عرب تا نند صر واردن صدها گشته تا به نظم تجار و کارخانه گونی مینی بر ایما نمودن حقیق حقیق خلق قهرمان فلسطین در ام وقت بخشد. توافقنامه دوم که ششاد انعقاد قرار اد صلح نهایی میان مصر و اسرائیل را مطرح مینماید اگرچه از تبلیغ بر و فرودگاه نظامی اسرائیلی در صحرای سینا نام میبرد، اما بر اساس تعهدی که آمریکا متقبل گردید به بجای پایگاههای صحرای سینا در فرودگاه و صحرای امیرالیسم آمریکا در پایگاه هوایی در صحرای تکف میسازد، بکن در مصاحبه خود در واشنگتن در این زمینه به صراحت اعلام میدارد که آمریکا در فرودگاه و نظامی در رنکاره میسازد که محل آن از فرودگاههای اسرائیل که در صحرای سینا به مصر واگذار نماید چندین دروینست. مافوق پایگاههای موجود در سینا را مانا میگردد که گاهای جدید کلا قابل بهره برداری نباشد تخلیه نخواهیم کرد. از سوی دیگر حتی یک از خروج نیروهای نظامی اسرائیل از صحرای سینا نه تنها دولت صرحی استفاده و نظامی از پایگاههای صحرای سینا را نخواهد داشت بلکه ارتش مصر نیز در صحرای سینا بطور محدود میتواند حضور یابد. تکوین ها و کارشناسان نظامی آمریکا نیز همچنان در محل باقی خواهند ماند. سناتور فیندلی در رساند زاین زمینه اظهار امیداری انتظار اینکه تکمیسین های آمریکایی از صحرای سینا در خلال چند ماه آید خارج شوند دیگر مطرح نمیشاند. و احتمال قوی میبورد که نه تنها آنها بلکه در حال حاضر آنجا هستند بمانند بلکه بسیاری خواست کنند از دیگر نینفانان ملحق گردند تا در مناطق جدیدی از صحرای سینا متمرکز گردند. بخیاست واردت اسادات به خلقهای عرب تا آنجا پیش رفته که اسادات تعهد شده که از توان نظامی مصر هیچگاه بر علیه اسرائیل استفاده و ننماید. این امر از هم بیشتر دست صهیونیستهای اسرائیلی را برای توسعه و تجاوز به خاک کشورهای همجوار بپروه مناطق کخ خلق فلسطین در آن سنگین دارد بازی گرداند.

اسادات که رسال گذشته با شرفیانتها بخود در تواروزه بطور غیر رسمی اسرائیل را بر وضعیت شناخت، از همان زمان اعلام نمود که مصر برای بر بریت شناخت کامل اسرائیل قدهای مشخصی برخواهد داشت. روی امروزه با انعقاد قرار اد صلح چند گانه با اسرائیل منتظر بنا بر اظهار خود بطور مشخص در این جهت گام برداشته بلکه میگردند تا با کشنهای مشترکی که از جانب وی و امیرالیسم آمریکا برای کشاندن دیگر کشورهای عربی که تا کنون بطور فعال در این مذاکرات شرکت نچستفاندند، دیگر کشورهای عربی بپروه متحدان نزدیک وی در خاور میانه یعنی اردن و عربستان سعودی را نیز متوافق بکشاند.

سناتور فیندلی در بیان تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۸ در این زمینه چنین اظهار امیداری بدین شیک نه ادامه شرایط گونی و نه رسک ایزوله کردن مصر در جهان عرب هیچگاه ام جا بگریزنازهای آنان (منظور کشورهای عربی) نمیباشد. و یاد رجایی دیگر اعلام میدارد «چهار چوب توافقنامه های کب در بید زایده و غیر قابل اجتناب بودن انعقاد قرار اد صلح بین مصر و اسرائیل و از سوی دیگر موجودیت دولت اسرائیل میباشد. حال این بد دیگر کشورهای عربی و فلسطینی های بستگی در آن کاپند و واقعیت را بمانا بگفتند و چون در فرودگاهها و در این بندند یا نه. امیرالیسم آمریکا همواره در پیشبرد سیاست خود در خاور میانه بطور صده تکیه برد و تجار و کار اسرائیل داشته که مدت ۳۰ سال سیاست تکم و تجاوز را در خاور میانه اعمال می نماید. امیرالیسم آمریکا از همان آغاز خود را نسبت به تجار و کاران اسرائیلی متعهد کرده و در انجام این تعهد از هیچ کوششی دریغ ننموده است.

در گزارشی که سناب تاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۷۸ در منظور بررسی کلهای خارجی آمریکا ارسال آید و تهیه نموده چنین میخوانیم: «ایالات متحده و بی پایست به مذاکرات خاور میانه ادامه داده و دیگر کشورهای عربی را نیز به درگیر شدن در این مذاکرات فراخا لایحه پیشنهاد می نماید. بنا همچنین اظهار امیداری که تشخیص ما بر اینست که آمریکا میبایست به نیازهای اقتصادی و اجتماعی نظامی اسرائیل منجمله ارسال قافله فروریز، هواپیماهای بدون په اسرائیل مشول بر خورد نماید تا بتوانیم ظرفیت دفاعی اسرائیل را کسطنای اساسی در تحقق امر صلح میباید. تقویت نامی» (تکیه ز ما است - تولان). از این رو است که بالغ بر هفتصد و هشتاد و پنج ملیون دلار کسک اقتصادی برای اسرائیل، هفتصد و پنجاه ملیون دلار مصر و نود و سه ملیون دلار برای اردن در نظر گرفته شده است.

در مجموع آنچه که میتوان به مثابه نتایج گفتار کس کب در بید بر شمرده، حکیم ضد انقلاب، تقویت موقعیت نظامی دولت تجار و کار اسرائیل در گریز از بر مستقیم آمریکا در خاور میانه و تا مین همزونی ابر قدرت آمریکا در خاور میانه میباشد. هنوز مرکز قرار اد کب در بید خشک نشد بود که نصد هزار اسرائیلی که توسط امیرالیسم آمریکا تجهیز شده به مرزهای سوریه و لبنان حمله برد و خلقهای فلسطین و عرب را بمخاک و خون کشاندند. در خلال همان گفتار کس کب «بود که اسرائیل جت های خود را بر فراز بیروت و جنوب لبنان بمرکز در آورد و چنان وهستی هزاران هزارتن را تهدید ید نمود.

تلاشهایی که در بر تو کفرانس کب در بید نیز صورت گرفت در خور تعقی میباید. گفتار کس کب در بید در مسو به با شرکت لیبی، الجزیره بین جنوبی، سوریه، جبهه آزاد بخش فلسطین تشکیل گردید. اگر چه کب در بید راه شدت محکم ساخت، اما نمیتوان بر کوششهای ابر قدرت سبطره جوی شیوری در پس مذاکرات در مشق چشم فرستاد، سفراست و مسکو و متعاقب آن سفر بودین به آن دیار نیز در ریز تو چنین کوششی صورت پذیرفت. البته تا نبوسو سیال امیرالیسم اسرائیل در مقابل گفتار کس کب در بید کفرانس نیز میباید که با شرکت کدهای عربی خاور میانه در ولت تجار و کار اسرائیل برگزار گردد. در برونق در این زمینه در مصاحبه خود در مسکو یکی از تجریات تاریخ را در مورد مسئله «صلح» خاور میانه تا مین ایست قابل اطمینان برای کلیه کشورهای منطقه منجمله اسرائیل «برویشمارد. در ایود سته برونق که خیانت خود را بارها و بارها بخلق فلسطین به ثبوت رساند بایست میگردند تا با س اختلافات خاور میانه را که حضور ولتی اشغالگر رخاک فلسطین میباشد به سیاق امیرالیست برده و پیشی نماید.

امانی رخم جریان عظیمی که در عرصه گیتی از جانب امیرالیستها منظور صلح خاور میانه برای افتاد و پگاه راه رهایی خلق فلسطین توسل به مبارزه انقلابی و جنگ مسلحانه بر علیه امیرالیسم، صهیونیسم و ارتجاع میباشد. خلق فلسطین در خلال گفتار کس کب در بید با سازمان دادن تظاهرات وسیع و ملیت اعترافی مسلحانه یکبار دیگر ثابت نمود که این خلق بیباخته تارهای کامل از دستگیری نخواهد ایستاد. هر قربانی، اراده و راستوار تو و هر شکست تجربه وی را شنی ترمیم سازد. پیروزان و تساروات در لار و نه خلق فلسطین!

ارتش و... بقیاض صغحه ۱  
همه انتظار امید مردمی خود را در این شعار دعوت فریاد کشیدند: برادر ارتشی، بیوند ما مبارک...  
در جریان تظاهرات و راهپیمایی عظیم عبد فیروز نیز جنبشیه پس از آن، ارتش مردم و بیوس هم رفتند. یار دیگر روزه و خنیا بان یکدیگر را چون زنبه ایک و جود، چون ریشه و شاخه های یکدیگر کشف کردند. آنها به عیان دیدند که هیچ دیوار جز استبداد و دیگاتوری از هم جدا ایشان نمیکند. ارتش باید که خواست و آرزوی شریف و معضمانه مردم آزادی و عدالت است مردم در بر یافتند که طلب بخش بزرگی از ارتش با آنها میباید. این کشف و رور در روشی ناقوس صهیونی را در گوش استبداد سلطنتی و سرکار و خاسمیان امیرالیست آن بعد از آورد. (نویسه ۲۰ شهریور ۷۷ ه) (تکیه از

پیروز با... بقیاض صغحه ۱  
در چون و چنان و شامتی مناطق در ساحل غربی رود اردن) و تواروزه مستقر خواهند بود و تنها ارتش ما و نه هیچ ارتش دیگری در آنجا حضور خواهد داشت. در این قرارداد از هجرتی منظور نیستند انقلاب و سرکوب مبارزات بحق خلقهای منطقه و خلق فلسطین مسئله ایجاب میبستیم بیسی قوی در محل تحت نظارت مشترک اسرائیل، مصر، اردن طرح گردید. تا وظیفه، دفاع از امنیت مرزهای اسرائیل را قبل و بعد از پنج سال ترکشده و در قرارداد بعدی به گیرند. تا ششاد صهیونیستها در ساحل غربی رود اردن و تواروزه که در واقع پایگاه هیبای نظامی دولت تاجا و گرا اسرائیل میباشد باقی ماند و حتی گشتوش نیز میتواند بیاید. بنا بر آنچه در تروق آید، توافقنامه اول در واقع بر اساس اشتغال نظامی تواروزه و ساحل غربی رود اردن توسط صهیونیستها و به کمک سایر کشورهای ارتزاجی عرب تا نند صر واردن صدها گشته تا به نظم تجار و کارخانه گونی مینی بر ایما نمودن حقیق حقیق خلق قهرمان فلسطین در ام وقت بخشد. توافقنامه دوم که ششاد انعقاد قرار اد صلح نهایی میان مصر و اسرائیل را مطرح مینماید اگرچه از تبلیغ بر و فرودگاه نظامی اسرائیلی در صحرای سینا نام میبرد، اما بر اساس تعهدی که آمریکا متقبل گردید به بجای پایگاههای صحرای سینا در فرودگاه و صحرای امیرالیسم آمریکا در پایگاه هوایی در صحرای تکف میسازد، بکن در مصاحبه خود در واشنگتن در این زمینه به صراحت اعلام میدارد که آمریکا در فرودگاه و نظامی در رنکاره میسازد که محل آن از فرودگاههای اسرائیل که در صحرای سینا به مصر واگذار نماید چندین دروینست. مافوق پایگاههای موجود در سینا را مانا میگردد که گاهای جدید کلا قابل بهره برداری نباشد تخلیه نخواهیم کرد. از سوی دیگر حتی یک از خروج نیروهای نظامی اسرائیل از صحرای سینا نه تنها دولت صرحی استفاده و نظامی از پایگاههای صحرای سینا را نخواهد داشت بلکه ارتش مصر نیز در صحرای سینا بطور محدود میتواند حضور یابد. تکوین ها و کارشناسان نظامی آمریکا نیز همچنان در محل باقی خواهند ماند. سناتور فیندلی در رساند زاین زمینه اظهار امیداری انتظار اینکه تکمیسین های آمریکایی از صحرای سینا در خلال چند ماه آید خارج شوند دیگر مطرح نمیشاند. و احتمال قوی میبورد که نه تنها آنها بلکه در حال حاضر آنجا هستند بمانند بلکه بسیاری خواست کنند از دیگر نینفانان ملحق گردند تا در مناطق جدیدی از صحرای سینا متمرکز گردند. بخیاست واردت اسادات به خلقهای عرب تا آنجا پیش رفته که اسادات تعهد شده که از توان نظامی مصر هیچگاه بر علیه اسرائیل استفاده و ننماید. این امر از هم بیشتر دست صهیونیستهای اسرائیلی را برای توسعه و تجاوز به خاک کشورهای همجوار بپروه مناطق کخ خلق فلسطین در آن سنگین دارد بازی گرداند.

اسادات که رسال گذشته با شرفیانتها بخود در تواروزه بطور غیر رسمی اسرائیل را بر وضعیت شناخت، از همان زمان اعلام نمود که مصر برای بر بریت شناخت کامل اسرائیل قدهای مشخصی برخواهد داشت. روی امروزه با انعقاد قرار اد صلح چند گانه با اسرائیل منتظر بنا بر اظهار خود بطور مشخص در این جهت گام برداشته بلکه میگردند تا با کشنهای مشترکی که از جانب وی و امیرالیسم آمریکا برای کشاندن دیگر کشورهای عربی که تا کنون بطور فعال در این مذاکرات شرکت نچستفاندند، دیگر کشورهای عربی بپروه متحدان نزدیک وی در خاور میانه یعنی اردن و عربستان سعودی را نیز متوافق بکشاند.

سناتور فیندلی در بیان تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۸ در این زمینه چنین اظهار امیداری بدین شیک نه ادامه شرایط گونی و نه رسک ایزوله کردن مصر در جهان عرب هیچگاه ام جا بگریزنازهای آنان (منظور کشورهای عربی) نمیباشد. و یاد رجایی دیگر اعلام میدارد «چهار چوب توافقنامه های کب در بید زایده و غیر قابل اجتناب بودن انعقاد قرار اد صلح بین مصر و اسرائیل و از سوی دیگر موجودیت دولت اسرائیل میباشد. حال این بد دیگر کشورهای عربی و فلسطینی های بستگی در آن کاپند و واقعیت را بمانا بگفتند و چون در فرودگاهها و در این بندند یا نه. امیرالیسم آمریکا همواره در پیشبرد سیاست خود در خاور میانه بطور صده تکیه برد و تجار و کار اسرائیل داشته که مدت ۳۰ سال سیاست تکم و تجاوز را در خاور میانه اعمال می نماید. امیرالیسم آمریکا از همان آغاز خود را نسبت به تجار و کاران اسرائیلی متعهد کرده و در انجام این تعهد از هیچ کوششی دریغ ننموده است.

در گزارشی که سناب تاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۷۸ در منظور بررسی کلهای خارجی آمریکا ارسال آید و تهیه نموده چنین میخوانیم: «ایالات متحده و بی پایست به مذاکرات خاور میانه ادامه داده و دیگر کشورهای عربی را نیز به درگیر شدن در این مذاکرات فراخا لایحه پیشنهاد می نماید. بنا همچنین اظهار امیداری که تشخیص ما بر اینست که آمریکا میبایست به نیازهای اقتصادی و اجتماعی نظامی اسرائیل منجمله ارسال قافله فروریز، هواپیماهای بدون په اسرائیل مشول بر خورد نماید تا بتوانیم ظرفیت دفاعی اسرائیل را کسطنای اساسی در تحقق امر صلح میباید. تقویت نامی» (تکیه ز ما است - تولان). از این رو است که بالغ بر هفتصد و هشتاد و پنج ملیون دلار کسک اقتصادی برای اسرائیل، هفتصد و پنجاه ملیون دلار مصر و نود و سه ملیون دلار برای اردن در نظر گرفته شده است.

در مجموع آنچه که میتوان به مثابه نتایج گفتار کس کب در بید بر شمرده، حکیم ضد انقلاب، تقویت موقعیت نظامی دولت تجار و کار اسرائیل در گریز از بر مستقیم آمریکا در خاور میانه و تا مین همزونی ابر قدرت آمریکا در خاور میانه میباشد. هنوز مرکز قرار اد کب در بید خشک نشد بود که نصد هزار اسرائیلی که توسط امیرالیسم آمریکا تجهیز شده به مرزهای سوریه و لبنان حمله برد و خلقهای فلسطین و عرب را بمخاک و خون کشاندند. در خلال همان گفتار کس کب «بود که اسرائیل جت های خود را بر فراز بیروت و جنوب لبنان بمرکز در آورد و چنان وهستی هزاران هزارتن را تهدید ید نمود.

تلاشهایی که در بر تو کفرانس کب در بید نیز صورت گرفت در خور تعقی میباید. گفتار کس کب در بید در مسو به با شرکت لیبی، الجزیره بین جنوبی، سوریه، جبهه آزاد بخش فلسطین تشکیل گردید. اگر چه کب در بید راه شدت محکم ساخت، اما نمیتوان بر کوششهای ابر قدرت سبطره جوی شیوری در پس مذاکرات در مشق چشم فرستاد، سفراست و مسکو و متعاقب آن سفر بودین به آن دیار نیز در ریز تو چنین کوششی صورت پذیرفت. البته تا نبوسو سیال امیرالیسم اسرائیل در مقابل گفتار کس کب در بید کفرانس نیز میباید که با شرکت کدهای عربی خاور میانه در ولت تجار و کار اسرائیل برگزار گردد. در برونق در این زمینه در مصاحبه خود در مسکو یکی از تجریات تاریخ را در مورد مسئله «صلح» خاور میانه تا مین ایست قابل اطمینان برای کلیه کشورهای منطقه منجمله اسرائیل «برویشمارد. در ایود سته برونق که خیانت خود را بارها و بارها بخلق فلسطین به ثبوت رساند بایست میگردند تا با س اختلافات خاور میانه را که حضور ولتی اشغالگر رخاک فلسطین میباشد به سیاق امیرالیست برده و پیشی نماید.

امانی رخم جریان عظیمی که در عرصه گیتی از جانب امیرالیستها منظور صلح خاور میانه برای افتاد و پگاه راه رهایی خلق فلسطین توسل به مبارزه انقلابی و جنگ مسلحانه بر علیه امیرالیسم، صهیونیسم و ارتجاع میباشد. خلق فلسطین در خلال گفتار کس کب در بید با سازمان دادن تظاهرات وسیع و ملیت اعترافی مسلحانه یکبار دیگر ثابت نمود که این خلق بیباخته تارهای کامل از دستگیری نخواهد ایستاد. هر قربانی، اراده و راستوار تو و هر شکست تجربه وی را شنی ترمیم سازد. پیروزان و تساروات در لار و نه خلق فلسطین!





